

سرمقاله

چرا تندروهای داخلی از پایان جنگ خوشحال نیستند؟

ادامه از صفحه یک
توسعه سیاسی بدون نقد و رقابت امکان‌پذیر نیست. اما آنچه خطرناک است، تبدیل سیاست به میدان دائمی جنگ روانی، بحران‌آفرینی و قطبی‌سازی اجتماعی است. هنگامی که برخی بازیگران سیاسی بقیای خود را در استمرار تنش جست‌وجو می‌کنند، در واقع آینده جامعه را در گروگان منافع کوتاه‌مدت سیاسی می‌سازند. در چنین شرایطی، نخستین گروهی که آسیب می‌بینند، کودکان هستند که هیچ نقشی در این رقابت‌ها ندارند.

کودکان بیش از هر گروه دیگری به ثبات، امنیت، امید و پیش‌بینی‌پذیری نیاز دارند. رشد سالم روانی کودک در محیطی شکل می‌گیرد که آینده قابل تصور باشد، افق‌های روشن در برابر او قرار داشته باشد و جامعه به سمت کاهش تنش حرکت کند. برعکس، هنگامی که فضای عمومی مملو از بحران، درگیری سیاسی، ناامیدی اقتصادی و نگرانی از آینده باشد، کودکان نیز ناگزیر آثار آن را تجربه می‌کنند. شاید آنان جزئیات مذاکرات یا اختلافات جناحی را درک نکنند، اما اضطراب والدین، نااطمینانی اقتصادی خانواده و فضای متشنج اجتماعی را به‌خوبی احساس می‌کنند. مطالعات متعدد روان‌شناسی کودک نشان داده است که ناامنی اجتماعی و سیاسی، حتی زمانی که مستقیماً متوجه کودکان نباشد، می‌تواند آثار بلندمدتی بر رشد هیجانی و شناختی آنان بر جای بگذارد. کودکانی که در فضای مداوم تنش و بحران رشد می‌کنند، بیشتر در معرض اضطراب، ناامیدی و کاهش احساس کنترل بر آینده قرار می‌گیرند. به همین دلیل، سیاست‌ورزی مسئولانه صرفاً یک مسئله کمربانی نیست؛ بلکه بخشی از تعهد جامعه کودک به حقوق کودکان است. از منظر حقوق لیبک نیز موضوع اهمیت ویژه‌ای دارد.

بر اساس اصول بنیادین حقوق کودک، دولت‌ها و تمامی بازیگران مؤثر اجتماعی موظفاند منافع عالیه کودکان را در تصمیمات خود مدنظر قرار دهند. آنچه نتیجه مستقیم یا غیرمستقیم سیاست‌های تنش‌زا، تشدید فشارهای اقتصادی، افزایش نااطمینانی اجتماعی یا کاهش فرصت‌های توسعه‌یابش، کودکان‌نخستین قربانیان آن خواهند بود.
حق بر آموزش باکیفیت، حق بر سلامت، حق بر رفاه اجتماعی و حتی حق بر امید، همگی در بستری از ثبات و توسعه معنا پیدا می‌کنند. بر این مبنا، یکی از خط‌زنان‌کننده‌ی پیامدهای رادیکالیسم سیاسی، عادی‌سازی ناامیدی در میان نسل جدید است. کودکانی که سال‌ها شاهد نزاع‌های بی‌پایان، بن‌بست‌های سیاسی و بحران‌های مستمر هستند، ممکن است به‌تدریج باور خود را به امکان اصلاح، پیشرفت و آینده بهتر از دست بدهند. این مسئله فقط یک آسیب روانی فردی نیست؛ بلکه تهدیدی برای سرمایه‌های آینده یک ملت محسوب می‌شود. واقعیت آن است که هیچ توافق سیاسی، هیچ مذاکره و هیچ راهبرد دیپلماتیکی مقدس یا مصون از نقد نیست. نقد حق همه جریان‌های سیاسی است. اما میان نقد مسئولانه و بحران‌آفرینی دائمی تفاوتی وجود دارد. نقد مسئولانه می‌کوشد راه‌حل ارائه دهد؛ در حالی که سیاست‌ورزی رادیکال اغلب از خود بحران‌نغذیه می‌کند. در چنین فضای، موفقیت کشور نه یک فرصت ملی، بلکه تهدیدی برای برخی بازیگران سیاسی تلقی می‌شود.

امروز بیش از هر زمان دیگری باید این پرسش را مطرح کرد که هزینه واقعی نزاع‌های سیاسی بر دوش چه کسانی قرار می‌گیرد؟ پاسخ روشن است، کودکان. کودکانی که فرصت‌های آموزشی آنان تحت تأثیر فشارهای اقتصادی قرار می‌گیرد؛ کودکانی که سلامت روانشان از نااطمینانی اجتماعی آسیب می‌بیند؛ کودکانی که به جای امید به آینده، با روایت‌های مداوم بحران و بن‌بست مواجه می‌شوند. شاید مهم‌ترین معیار برای ارزیابی هر جریان سیاسی، نه شعارهای آن، بلکه تأثیر واقعی عملکردش بر زندگی نسل آینده باشد. هر سیاستی که به افزایش امید، ثبات، رفاه و امنیت کودکان منجر شود، در مسیر منافع ملی قرار دارد و هر رویکردی که جامعه را در محاصره فشارهای بی‌پایان، قطبی‌سازی و ناامیدی سوق دهد، در نهایت از جیب کودکان و آینده کشور هزینه خواهد شد. کشورها با نفت، بودجه یا حتی قدرت نظامی زنده نمی‌مانند؛ آینده ملت‌ها را توسعه سیاسی می‌سازد که امروز در کلاس‌های درس، خانه‌ها و کوچه‌های این سرزمین زندگی می‌کنند. هر تصمیم سیاسی باید بر این پرسش سنجیده شود: آیا این تصمیم امید بیشتری برای کودکان ایران می‌آفریند یا ناامیدی بیشتری بر دوش آنان می‌گذارد؟ پاسخ به همین پرسش، مرز میان سیاست مسئولانه و سیاست بحران‌محور را مشخص می‌کند.



«حفظ وحدت و انسجام ملی و همصدایی نکردن با دشمن»، موضوعی است که چندین بار مورد تأکید رهبر انقلاب اسلامی قرار گرفته است، اما گویی معذور افراد و جریان‌هایی گوش شنوایی برای شنیدن این توصیه مهم ندارند و ترجیح می‌دهند حتی در شرایط جنگی، اهداف و طماع سیاسی خود را بر منافع ملی مقدم بشمارند.

به گزارش ایسنا، آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی ۱۴

تحرکات ضد ایرانی آمریکا در شورای حکام را بررسی شد

سفید شویی تجاوز

تلاش آمریکا و برخی کشورهای اروپایی برای تصویب قطعنامه‌ای علیه ایران در شورای حکام، تلاشی برای تحریف واقعیت‌ها، جبران شکست‌های راهبردی، سفیدسازی تجاوزات و سیاسی‌سازی آرزوهای می‌شود؛ روندی که اعتبار و استقلال این نهاد را تهدید می‌کند.



شورای حکام سازمان همکاری‌های اتمی بین‌المللی (IAEA) در وین، اتریش.

ایران سکوت اختیار کرده بود، در جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان نیز به جای محکوم کردن تجاوز نظامی و بمباران مراکز و تأسیسات هسته‌ای ایران، به انتشار گزارش‌های بی‌اثر و حتی توجیه این حملات روی آورد. مبادین رقم زد، در کنار مدیریت هوشمندانه و مقتدرانه ایران بر تنگه هرمز، تمامی این معادلات را بر هم زد.

در ادامه، آمریکا با بهره‌گیری از ابزار دیپلماسی، راهبرد تسلیم‌سازی را دنبال کرد، اما ایستادگی ایران در حقوق و شروط مشروع خود، این ابزار را نیز ناکارآمد ساخت. آمریکا و رژیم صهیونیستی همچنین نقض‌های مکرر آتش‌بس را به ابزاری برای چانه‌زنی و باج‌خواهی تبدیل کردند، اما واکنش‌های قاطع ایران در هدف قرار دادن متجاوزان آمریکایی در خلیج فارس و نیز حملات کوبنده به رژیم صهیونیستی در حمایت از لبنان، این سناریو را نیز با چالش جدی مواجه ساخت.

نکته قابل توجه آنکه جامعه جهانی نیز در جنگ

روایت‌ها شکست سنگینی را بر آمریکا و رژیم صهیونیستی تحمیل کرده است؛ چنان‌که بنا بر گزارش‌ها، ۷۰ درصد مردم آمریکا خواستار پایان جنگ‌افروزی علیه ایران شده‌اند.

در چنین شرایطی به نظر می‌رسد آمریکا و برخی کشورهای اروپایی می‌کوشند با روایت‌سازی‌های جعلی، ضمن سرپوش گذاشتن بر جنایات و شکست‌های خود، اهداف محقق‌نشده، به‌ویژه دسترسی به مراکز هسته‌ای و اورانیوم غنی‌سازی‌شده ایران را از طریق فشارهای آژانس دنبال کنند.

آژانس در سراسریشی سیاسی کاری و فرمایشی بی طرفی، حرفه‌ای

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شخص گروسی، مدیرکل آن، بارها نشان داده‌اند که از ماهیت فنی و حرفه‌ای خود فاصله گرفته و عملاً به ابزاری در خدمت اهداف نظام سلطه و جاه‌طلبی‌های فردی تبدیل شده‌اند.

آژانس که طی سال‌های تروار دانشمندان هسته‌ای گرفته‌است، در برابر گفت‌وگو در مورد تحریم‌ها هم به مذاکرات پس از امضای تفاهنامه‌پایان جنگ موکول می‌شود. اما رئیس جمهور آمریکا اصرار دارد که در تفاهنامه اولیه تضمینی برای عدم دستیابی به سلاح هسته‌ای وجود داشته‌باشد.

دست کم دو ماه است که یک متن یک صفحه‌ای به عنوان تفاهنامه

پایان جنگ میان ایران و آمریکا مدام دست به دست می‌شود. هر با اصلاحات و تغییرات جدیدی از سوی یکی از طرف‌ها در متن ایجاد می‌شود. در عین حال تشدید تنش‌ها در لبنان و تنگه هرمز هم بر تأخیر در پذیرش متن تأثیر گذاشته‌است.

اما اهمیت این تأخیر برای سیاست خارجی و اقتصاد ایران دوچندان است. هر روز تأخیر، به معنای ادامه فشار اقتصادی، کاهش درآمد ارزی و افزایش نارضایتی داخلی است. همزمان، این وضعیت بر بازار جهانی انرژی تأثیر گذاشته و قیمت نفت را نوسانی کرده است. اندیشکده بروکینگز در تحلیل اخیر خود، این تأخیر را ناشی از «بی‌اعتماد عمیق میان ایران و آمریکا» می‌داند. اما دلایل واقعی تأخیر در توافق ایران و آمریکا چیست و این تأخیر چه پیامدهایی برای روابط تجاری و اقتصاد خارجی ایران خواهد داشت؟

از منظر سیاسی نیز، تأخیر در توافق، عمدتاً ناشی از اختلافات داخلی آمریکا و فشار لابی‌هاست. دموکرات‌ها به انتقاد شدید از سفر ترامپ به چین، معتقدند که او نتوانسته تضمین‌های کافی بگیرد. گزارش نیویورک تایمز در ۵ مه ۲۰۲۴ اشاره می‌کند که لابی اسرائیل در کنگره، مانع اصلی توافق سریع است. ترامپ نیز برای حفظ پایگاه رأی‌دهندگان

این وضعیت، رسوایی بزرگی برای ترامپ محسوب می‌شود که مدعی ساختن «آمریکایی بزرگ» در جهان بود. ناتوانی آمریکا در ایجاد اجماع تا آنجا پیش رفته است که گزارش‌ها از حذف برخی بندها، از جمله بند ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت، از متن قطعنامه کنونی حکایت دارند تا از میزان مخالفت‌ها با آن کاسته شود.

هزینه‌های سنگین دوگانگی آژانس و آینده مبهم اعتبار آن

اگرچه آمریکا با گروگان گرفتن و بمباران استقلال آژانس در پی بهره‌برداری ابزاری از این نهاد برای اعمال فشار بر تهران، سفیدسازی تجاوزگر‌ها و کاهش قدرت چانه‌زنی ایران در مذاکرات است، اما تصویب چنین قطعنامه‌ای با هر میزان رأی در شورای حکام می‌توان مرحله‌ای تازه از خروج آژانس از مسیر فنی و حرفه‌ای و ورود آشکار آن به عرصه سیاسی‌کاری دانست؛ روندی که بخشی از آن ناشی از ملاحظه غرب بر این نهادها و بخشی دیگر حاصل منافع و جاه‌طلبی‌های شخصی افرادی چون گروسی است که چشم به دبیرکل سازمان ملل متحد با حمایت غرب دوخته‌اند.

شکست پروژه اجماع‌سازی؛ از شورای امنیت تا شورای حکام

نکته مهم آن است که اگرچه غرب، به‌ویژه آمریکا، همچنان در پی سواستفاده از نهادهای بین‌المللی برای پیشبرد اهداف سلطه‌جویانه خود است، اما تاکنای اخیر آنها در تصویب قطعنامه ضدایرانی در شورای امنیت به دلیل وجود چین و روسیه و مخالف برخی اعضا، مخالفت متحان آمریکا در ناتو با ورود به جنگ علیه ایران بر سر تنگه هرمز و همسایه نگرانی‌های موجود در آژانس نسبت به سیاسی‌کاری شورای حکام و تلاش آمریکا برای بی‌خاصیت‌سازی این نهاد از طریق خادمان‌سرایانی‌های دروغین علیه ایران، همگی نشان‌های روشنی از افول توان اجماع‌سازی واشنگتن است.

تأخیر در تفاهم با شیطنت اسرائیل

خود، نمی‌تواند امتیازات زیادی بدهد. اما در ایجاد کلان، تأخیر به دلیل عدم توافق بر سر تضمین‌های امنیتی است. تهران بر خروج نیروهای اصرار دارد که در تفاهنامه اولیه تضمینی به سلاح هسته‌ای وجود داشته‌باشد.

دست کم دو ماه است که یک متن یک صفحه‌ای به عنوان تفاهنامه

پایان جنگ میان ایران و آمریکا مدام دست به دست می‌شود. هر با اصلاحات و تغییرات جدیدی از سوی یکی از طرف‌ها در متن ایجاد می‌شود. در عین حال تشدید تنش‌ها در لبنان و تنگه هرمز هم بر تأخیر در پذیرش متن تأثیر گذاشته‌است.

اما اهمیت این تأخیر برای سیاست خارجی و اقتصاد ایران دوچندان است. هر روز تأخیر، به معنای ادامه فشار اقتصادی، کاهش درآمد ارزی و افزایش نارضایتی داخلی است. همزمان، این وضعیت بر بازار جهانی انرژی تأثیر گذاشته و قیمت نفت را نوسانی کرده است. اندیشکده بروکینگز در تحلیل اخیر خود، این تأخیر را ناشی از «بی‌اعتماد عمیق میان ایران و آمریکا» می‌داند. اما دلایل واقعی تأخیر در توافق ایران و آمریکا چیست و این تأخیر چه پیامدهایی برای روابط تجاری و اقتصاد خارجی ایران خواهد داشت؟

از منظر سیاسی نیز، تأخیر در توافق، عمدتاً ناشی از اختلافات داخلی آمریکا و فشار لابی‌هاست. دموکرات‌ها به انتقاد شدید از سفر ترامپ به چین، معتقدند که او نتوانسته تضمین‌های کافی بگیرد. گزارش نیویورک تایمز در ۵ مه ۲۰۲۴ اشاره می‌کند که لابی اسرائیل در کنگره، مانع اصلی توافق سریع است. ترامپ نیز برای حفظ پایگاه رأی‌دهندگان

جریان های سیاسی چه وظایفی دارند؟

هشدار درباره پیامدهای تفرقه افکنی

این روزها با اسم تبعیت از رهبری، خلاف خط مشی عمل می‌کنند؛ یک بار دیگر بدون هیچ شرح و بسطی محوره‌ای مورد تأکید رهبری را تکرار می‌کنم تا هرکسی چه مسئول، چه نخبه سیاسی و چه فعال رسانه‌ای خواست خارج از این چارچوب عمل کند، با پاسخ سخت امت حزب‌الله روبرو شود.

تفرقه‌افکنی در فضای مجازی و تجمعات شبانه

تأکیدات چند باره رهبر انقلاب و همچنین هشدار اخیر رئیس مجلس و رئیس هیأت مذاکره‌کننده در حالی مطرح می‌شود که اخیراً اظهارات تفرقه‌افکنانه‌ای از سوی افراد و جریان‌های خاص در فضای مجازی و برخی رسانه‌ها مطرح می‌شود. این افراد حتی پا فراتر گذاشته و اختلاف «پوچ» سیاسی خود را به تجمعات شبانه کشانده‌اند؛ تجمعاتی که قرار بود تجلی‌گر وحدت و انسجام مردمی باشد در پشتیبانی از نظام و کشور باشند اما از سوی برخی افراد و جریان‌های سیاسی تبدیل به بستری برای دوطرفی‌سازی و ایجاد تنش اجتماعی شده است.

در همین زمینه، اعتقاد برخی تحلیلگران سیاسی این است که هرگونه تشدید اختلافات داخلی می‌تواند در چارچوب «جنگ شناختی» مورد بهره‌برداری قرار گیرد؛ جنگی که هدف آن نه صرفاً تقابل نظامی، بلکه تضعیف اعتماد عمومی و انسجام اجتماعی است.

درخواست نمایندگان برای برخورد قضایی با برهم زندگان انسجام ملی
در واکنش به این اقدامات تفرقه‌افکنانه، برخی نمایندگان مجلس در گفت‌وگو با ایسنا، بر نقش کلیدی قوه قضائیه در صیانت از انسجام ملی تأکید کردند. احمد بیگلدی عضو فراکسیون مستقلین مجلس تأکید کرد: قوه قضائیه

سیاست روز

اخبار
<p>قالیباف خطاب به مردم:</p> <p>کشور را از دهان گرگ‌های درنده بیرون کشیدید</p> <p></p> <p>رئیس مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه ۱۰۰ روز از جهاد مردن برای حفظ ایران می‌گذرد، گفت: دشمن را ناامید ساختید و کشور را از دهان گرگ‌های درنده‌ای که برای تسلیم کردن ایران اسلامی نذدان تیز کرده بودند، بیرون کشیدید. به گزارش ایسنا محمداقرب قالیباف رئیس مجلس در مطلبی در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی ایکس، با اشاره به گذشت ۱۰۰ شب از حضور مردم در تجمعات خیابانی، نوشت: «صد روز از جهاد ملتی که برای حفظ ایران جان قیام کرد می‌گذرد.</p> <p>درد خدا بر شما که پشت ایران را گرم کردید، دشمن را ناامید ساختید و کشور را از دهان گرگ‌های درنده‌ای که برای تسلیم کردن ایران اسلامی نذدان تیز کرده بودند، بیرون کشیدید.</p>

قائم‌پناه:

بازگشت به ریشه‌های تمدنی ایران، مسیر تقویت خودباوری و مرجعیت علمی کشور است

معاون اجرایی رئیس‌جمهور با تأکید بر ضرورت معرفی تاریخ و تمدن ایران به نسل جوان گفت: فرهنگ ایران اسلامی حاصل پیوند هویت ملی و دینیت است و هرچه شناخت ما از ریشه‌های تمدنی، علمی و فرهنگی کشور عمیق‌تر شود، زمینه‌برای تقویت خودباوری ملی، مرجعیت علمی و حکمرانی خردمندانه بیش از پیش فراهم خواهد شد.

به گزارش ایسنا، محمدمجرب قائم‌پناه، معاون اجرایی رئیس‌جمهور، در جریان بازدید از سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و دیدار با مدیران و کارشناسان این مجموعه، ضمن قدردانی از تلاش‌های صورت گرفته در حوزه حفظ و صیانت از میراث علمی و فرهنگی کشور، اظهار کرد: سال گذشته حوادث تلخی را پشت سر گذاشتیم و امیدواریم در بزرگ جشنین حوادثی ناشیوم و بتوانیم ایران عزیزمان را همچون گذشته سرپلند و سرازرفر ببینیم. وی با اشاره به علاقه شخصی خود به مطالعه شاهنامه افزود: چند سالی است که شاهنامه می‌خوانم و این موضوع برای من اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا روح ایران‌دوستی و وطن‌پرستی در این اثر بزرگ موج می‌زند. هرچه به عمق تاریخ و تمدن ایران نگاه می‌کنیم، غرور ملی ما بیشتر می‌شود و پیش از گذشته چنین حوادثی سرزمین‌پی می‌بریم. معاون اجرایی رئیس‌جمهور با تأکید بر جایگاه تمدنی ایران در تاریخ جهان گفت: ما تمدنی بسیار بزرگ داریم، متأسفانه در سال‌های گذشته کمتر به معرفی این تمدن پرداخته‌ایم و این ویژه نسل جوان آشنایی کافی با تاریخ و پیشینه تمدنی خود ندارد. بخشی از این مسئله به دسترسی گسترده‌تر به منابع غربی و بخشی نیز به کم‌کاری خود ما در معرفی این میراث ارزشمند بازمی‌گردد. قائم‌پناه افزود: درخت زمانی می‌تواند در برابر حوادث، آفات و آسیب‌ها مقاوم باشد

که ریشه‌ای مستحکم داشته باشد. ملت ایران از چنین ریشه‌ای برخوردار است اما نتوانسته‌ایم شاخ و برگ‌های این درخت تنومند را به خوبی به نمایش بگذاریم. امروز بیش از هر زمان دیگری لازم است نسل جوان با این ریشه‌های تاریخی و تمدنی آشنا شود. وی ادامه داد: وقتی از تمدن‌های بزرگ جهان سخن می‌گوییم، تمدن‌هایی همچون ایران، مصر و روم در ذهن تداعی می‌شوند. دیگر تمدن دیگری را نمی‌توان برشمرد. دشمنان نیز به خوبی از ظرفیت و عمق این تمدن آگاه هستند و دقیقاً به همین دلیل تلاش می‌کنند آن را نادیده بگیرند یا تضعیف کنند. در مقابل، ما باید بیش از پیش به معرفی این تمدن بپردازیم.

معاون اجرایی رئیس‌جمهور با اشاره به مفهوم «بازگشت به خویشتن» گفت: همان‌گونه که مرحوم دکتر علی‌شریعتی مطرح می‌کرد، بازگشت به خویشتن به معنای شناخت ریشه‌ها و عمق تاریخی خود است. این بازگشت دو بال دارد؛ یک بال ملی و تاریخی و یک بال دینی. حاصل این دو، فرهنگ ایران اسلامی است؛ فرهنگی که هم ریشه در هویت ملی ما دارد و هم در باورهای دینی مردم ایران. این دو مؤلفه در طول تاریخ در هم آمیخته‌اند و نمی‌توان آنها را یکدیگر جدا کرد.

طبق قانون با هر اقدامی که منجر به تشویش اذهان عمومی، ایجاد تنش‌های غیرضروری و آسیب به وحدت ملی شود، برخورد کند. همچنین قاسم روانبخش نماینده اصولگرای مجلس نیز گفت: دستگاه قضایی باید در شرایطی که تأکید رهبر معظم انقلاب بر تقویت و صیانت از انسجام ملی است با عوامل ایجاد تفرقه و منشاء اختلاف در جامعه برخورد کند. باید با افراد و جریان‌هایی که از اساس موجب ایجاد تفرقه در دل جامعه می‌شوند، برخورد قضایی صورت گیرد. در همین راستا، شهباذ حسن‌پور دیگر نماینده اصولگرای مجلس با بیان اینکه هیچ فرد یا جریان‌ی نباید احساس کند از حاشیه‌من برخوردار است، گفت: قوه قضائیه به عنوان ملجأ اجرای عدالت وظیفه دارد نسبت به هر اقدامی که منجر به ایجاد شکاف اجتماعی، تضعیف انسجام ملی یا خدشه به منافع کشور شود، در چارچوب قانون واکنش نشان دهد.

از سوی دیگر، محمد بیات عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها تأکید کرد: مردم دیگر نمی‌ایستند تا عده‌ای بخواهند با انگیزه‌های شخصی یا جناحی به وحدت ملی خدشه وارد کنند، بلکه خود مردم در میدان، پاسخ‌افراد وحدت‌شکن را می‌دهند.

مجموع این مواضع نشان می‌دهد که در سطح حاکمیتی و پارلمانی، نگرانی

نسبت به افزایش رفتارهای دوطرفی‌ساز و تفرقه‌افکنانه در فضای سیاسی و

اجتماعی افزایش یافته است. این نگرانی‌ها عمدتاً بر این محور متمرکز است که

برخی کنش‌ها، چه در قالب تجمعات خیابانی و چه در قالب مواضع رسانه‌ای،

می‌تواند به کاهش اعتماد عمومی و تضعیف همبستگی اجتماعی منجر شود.